



یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۷۵۹
www.hammihaonline.ir



گزینه اصلی وزارت اقتصاد؟

بررسی اخبار ضد و نقیضی که دیروز درباره بازگشت **علی طیب‌نیا** به کابینه منتشر شد



تعرض به نام تنبیه سر بازی

پیگیری آزار دانش‌آموزان یک مدرسه پسرانه در شهری توسط معلم‌شان



من چریک نبودم

بررسی خاطرات سیاسی **بهرز گرانپایه** با گفتارهایی از مصطفی معین، محمدحسن گل‌رخیان و مهوش علیزاده



اولین فیلمساز ایرانی که دیر رسید

صفحه جدید پرتله ماه: درباره **ابراهیم مرادی** کارگردان و نویسنده سینما

بررسی آنچه در اولین روز مذاکرات ایران و آمریکا در مسقط گذشت

یک گام به پیش

عراقچی و ویتکاف چند دقیقه دیدار کردند

صادق زیباکلام استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه تهران تفاوت مهم برجام و توافق مهم سال ۱۴۰۴، در مکانیزم‌های راستی‌آزمایی و تضمین است. به نحوی که تحت تأثیر تغییر رای‌های ناگهانی رای‌ها قرار نگیرد. بالاخره ما این تغییر رای‌ها را دیدیم. واقعاً خواسته آمریکایی‌ها و کشورهای غربی این است که ایران نتواند سلاح هسته‌ای تولید کند. مرحله بعدی هم پروژه موشکی است.

سید هادی برهانی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

ما در شرایط حساسی قرار داریم و همه باید این شرایط حساس را درک کنند. در این شرایط باید دیپلماسی از تمام ظرفیت‌های خود استفاده کرده و با تمام ابزارهای ممکن وارد میدان شود. تا این کار را به نتیجه برسانند. لذا هر چند دیپلمات‌های مورد اعتماد نظام در این مذاکره محدود شوند، رسیدن به نتیجه مطلوب محدود می‌شود.

اقتصاد در انتظار توافق

ارزیابی **فرزین زندی** و **مهدی قدوسی** درباره پیامدهای دوگانه جنگ و تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا

سرمقاله

رویکرد روشن ایران

این سر مقاله در شرایطی نوشته می‌شود که تا این لحظه هیچ‌گونه خبری رسمی و غیررسمی جز ادامه مذاکرات در هفته آینده از محتوای مذاکرات ایران و آمریکا بیرون نیامده است بنابراین، آنچه در ادامه می‌آید به وضعیت و اخبار پیش از مذاکرات مربوط می‌شود. هر چند نحوه برخورد طرفین نشان می‌دهد که ارزیابی اولیه حداقل منفی نبوده است. اولین نکته این است که اراده ایران در مقابله با ایالات متحده برای آغاز گفت‌وگوها، روشن‌تر و منسجم‌تر است. در حالی که برخلاف رویکرد اعلامی قبلی، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا با ادبیاتی تند و غیردیپلماتیک و حتی به نحوی که نشان از عصبانیت وی دارد اهمیت مذاکرات را پایین آورده و آن را فقط به یک نشست مقدماتی تقلیل داده است. در طرف ایران، چنین دوگانگی درون ساختاری دیده نمی‌شود و اتفاقاً حمایت کامل از گروه مذاکره‌کننده و اراده رسمی برای کاهش تنش و رسیدن به توافق به خوبی مشهود است. بنابراین، می‌توان گفت که دودستگی در طرف آمریکایی زیاد است؛ به ویژه با موضع گیری تند وزارت امور خارجه آمریکا که از این مذاکرات حذف شده‌اند. این دوگانگی آشکار است. به همین دلیل باید نسبت به نتایج و دستاوردهای احتمالی محتاط بود. همچنین ویتکاف، مذاکره‌کننده اصلی ترامپ، پیش از سفر به عمان گفت: «من فکر می‌کنم موضع ما با برچیدن برنامه هسته‌ای است. به هر حال، این بدان معنا نیست که ما در حاشیه، راه‌های دیگری برای مصالحه بین دو کشور پیدا نخواهیم کرد... جایی که خط قرمز ما است [این است که] تسلیحاتی شدن توانایی هسته‌ای شما ممکن نیست.»

اگر فقط بخش اول سخنان ویتکاف را مبنا قرار دهیم، روشن خواهد بود که این به معنی نقض مذاکره است و هیچ گفت‌وگویی در این باره صورت نخواهد گرفت و اصولاً مذاکره منتفی است. ولی جمله دوم آقای ویتکاف راه‌حل را نشان داده است و مانعی برای رسیدن به توافق نخواهد بود. در واقع، اگر خط قرمز ادعایی آنها ساخت بماند هسته‌ای باشد؛ در این صورت ایران هم که بارها وجود چنین اراده‌ای برای ساخت بمب را رد کرده است. ضوابط و ضمانت‌های تحقق این هدف هم در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعیین و تعریف شده است. در نتیجه اختلافی در اهداف عالی دو طرف باقی نمی‌ماند و جزئیات فنی آن قابل توافق است.

اگر از این دو نکته بگذریم؛ باید از خوش بینی بیش از اندازه نسبت به نتیجه بخش بودن این مذاکرات پرهیز کرد. رویکرد ایران تاکنون هر ایرادی داشته باشد، اکنون بسیار روشن است. اعلان دوباره پای بندی خود به عدم ساخت سلاح هسته‌ای و پذیرش نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای راستی‌آزمایی این تعهد. طبیعی است طرف مقابل هم باید محدودیت‌های گوناگون خود را حذف کند. مسائل دیگری هم که در گذشته وجود داشت، اکنون اهمیت خود را برای طرفین ماجرا از دست داده است. <



یادداشت سردبیر

جنگ با رنگ پاک نمی‌شود



محمد جواد روح

نسل انقلاب، مخصوصاً جوانان و نوجوانان پنجاه‌هفتی، در خاطرات خود از آن روزهای پراشتهای و تاریخ‌ساز تعریف می‌کنند که دیوارنوشته‌های شبانه آنان علیه شاه و حمایت از امام و انقلاب را، پاسبانان کلاتری یا سربازان درجه پایین ارتش یا عوامل شهرداری و... روزانه با رنگ پاک می‌کردند و البته شب که می‌شد، دوباره می‌نوشتند. چنین بود که در پایین‌ترین سطح، کنش و واکنشی میان نیروهای مدافع و جریان‌های خواستار تغییر ساختار حاکم شکل می‌گرفت. نوشتن و پاک کردن همچون تزیین و آنتی‌تزی در دیوارهای کوچه‌ها و محلات نقش می‌بست و سنتز این جدال دیالکتیکی، پیرنگی بود که از شعار در زیر رنگ می‌ماند. همچون واژه‌ای که از پشت لاک غلطگیر سانسورچیان خود بنماید. بر مبنای همین سنتز روزمره بود که شعار «رنگ با رنگ پاک نمی‌شود» سر برمی‌آورد و همچون نظریه‌ای انقلابی، پایگاه نیروی مقاومت را به چالش می‌کشید و از آن سو، مخالفان جوان و نوجوان را بیش از پیش، تهییج و بسیج می‌کرد. آن شعار، البته در مقام نظریه سیاسی فراتر از جنگ دیوارنوشته‌های پاییز وزمستان ۱۳۵۷ است. مفهومی ساده است با دامنه‌ای گسترده و بازتاب‌دهنده مناسباتی پیچیده. می‌توان مصادیق بسیاری برای این سنتز یافت و در پرتو آن، هرگونه حذف و سانسور و انکار و لاپوشانی آمرانه را بازشناخت. همچنان که در سطح فرهنگ، زمانی احمد رجب‌زاده پژوهشی گسترده درباره «ممیزی کتاب» در دوران وزارت ارشاد مصطفی میرسلیم انجام داد و نشان داد که جنگ با واژه‌ها، تا چه حد مبتذل و بی‌حاصل است و مخاطب از پس همه کنترل‌ها مفهوم را در می‌یابد و نویسنده نیز راه دور زدن میزبان را.

اما چه شد یاد آن شعار نوجوانان روزهای انقلاب افتادم؟ قضیه برمی‌گردد به عکسی که نیویورک‌تایمز از رنگ‌آمیزی دیوار معروف ضدآمریکایی در خیابان کریم‌خان تهران منتشر کرد و چنین به مخاطبان جهانی اش القا می‌شد که حکومت ایران همزمان با از سرگیری مذاکره با آمریکا، به پاکسازی آرام و تدریجی نمادهای ضدآمریکایی در تهران و کلاشهرهای خود نیز برآمده است. همچنان که مدتی پیش، خبر پاک کردن پرچم آمریکا از محل عبور مراجعان و مقامات در نهاد ریاست جمهوری منتشر شد و یا فیلمی از راهپیمایی روز قدس که نشان می‌داد طراح شعار، جز یکبار دیگر «مرگ بر آمریکا» نمی‌گوید و صرفاً راهپیمایان را به «مرگ بر اسرائیل» گفتن فرامی‌خواند. البته، همان دیروز مشخص شد که شعاری از آن دیوار بلند و معروف پاک نشده است و صرفاً، رنگ‌آمیزی جدیدی بود برای نو سازی شعار قدیمی. <